

نگاهی گذرا به کتاب مجمل فصیحی

• رامین یلفانی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری

■ مجمل فصیحی

■ نوشته: احمد بن جلال الدین محمد فصیحی خوافی

■ تصحیح و تحشیه: محمود فرخ

■ ناشر: مشهد، باستان، ۱۳۴۱-۱۳۳۹، ۳ جلد

فصیح احمد خوافی این اثر را پس از سال ۸۳۶ ه. ق. یعنی زمانی که از خدمت شاهرخ تیموری معزول شده، به رشته نگارش درآورده است. او در این باره چنین می نویسد: «سیاق این کتاب بر مقدمه و دو مقاله و خاتمه نهاده، ترتیب آن بر این موجب است:

۱ - مقدمه: از هبوط آدم صفی صلوات الله علیه تا زمان ولادت حضرت نبی علیه الصلوة والتحیة که به عام الفیل موسوم است.

۲ - مقاله اول: از ولادت حضرت نبی (ص) تا زمان هجرت که مینا تاریخ بر آن است و آن پنجاه و سه سال است.

۳ - مقاله دوم: از هجرت آن حضرت علیه الصلوة والتحیة الی یومنا هذا (تا پایان سال ۸۴۵ ه. ق).

۴ - خاتمه: در ذکر بعضی از احوال هرات که مولد و منشأ این ضعیف است از آن چه در هرات، پیش از هجرت نبوی (ص) به وقوع پیوسته و چون در این مجمل به حکم «خیر الکلام ماقل و دل» از اطناب احتراز واجب شمرده از مفصل و زواید اجتناب نموده و از هر نسخه و تاریخ که خبری نقل افتاده به واسطه اختلاف ناقلان از هر جا نکته [ای] که مناسب نموده اضافه آن خبر شده، اگر معترض اسامی کتب می شد از مقصود باز می ماند. و این کتاب مورخان را فایده بیشتر می دهد و چه هرگاه خواهند که امری از امور یا خبری از اخبار معلوم کنند که در چه زمان و مکان بوده هرآینه از این کتاب زودتر به مقصود ظفر یابند و این نسخه را به سال های دراز از مطالعه تواریخ و

کتاب مجمل فصیحی، نوشته فصیح احمد بن جلال الدین محمد خوافی (متولد ۷۷۷ ه. ق) از جمله کتب تاریخ عمومی است که در نیمه اول قرن نهم هجری، به فارسی روان و بی تکلف نوشته شده است. در آن عصر مغلغ نویسی و آوردن مصنوعات ادبی در آثار منثور امری رایج و حتی افتخاری برای نویسندگان بود، با این حال فصیح خوافی در اثر خود از این گونه نوشتن دوری جسته است.

فصیح خوافی تا حدود زیادی گمنام باقی مانده و نام چندانی از او در آثار قرن نهم و بعد و یا در فهرست های ادبی موجود نیست. فقط در تاریخ حبیب السیر ذکری از مقام های دیوانی و وزارت او شده است.^۱ در دوره معاصر، اول بار علامه محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی نام او را در کتاب تاریخ عصر حافظ آورده اند.^۲ هم چنین ادوارد براون نیز از او در کتاب تاریخ ادبیات ایران خویش ستایش کرده بود.

هشت نسخه از مجمل فصیحی در نقاط مختلف (انگلستان، روسیه، هند و کتابخانه آستان قدس رضوی) باقی مانده که مصحح کتاب میکرو فیلم و اصل آن ها را از نظر گذرانیده است.

با آن که در قرون هشتم و نهم هجری معلق نویسی و آوردن مصنوعات ادبی در آثار منثور امری رایج و حتی افتخاری برای نویسندگان بود، با این حال فصیحی خوافی در اثر خود از این گونه نوشتن دوری جسته است



استنباط می شود که تا سال ۸۱۸ ه. ق. در خدمت یکی از امرای بزرگ دولت تیموریان، یعنی علاءالدین علی ترخان بوده و از این طریق با دولت مرکزی مرتبط بوده است. اما بین سال های ۸۱۹ تا ۸۲۱ ه. ق. ترقی نمود و منصب مهم دیوانی کسب کرد. در سال ۸۲۱ معزول شد. اما بار دیگر در سال ۸۲۴ ه. ق. برای امور مهم دیوانی مامور کرمان گردید و به سال ۸۲۷ ه. ق. منصب دیوانی قابل ذکری را در دستگاه بایسنقر به دست آورد. در سال ۸۳۶ ه. ق. به یک باره به خدمتش خاتمه دادند بعد از آن که معزول و جریمه شد، دیگر تا پایان کتاب به مقام و منصبی از خود اشاره نمی کند و به نظر می رسد که در عزلت به سر برده است.

مرحوم محمود فرخ، مصحح کتاب، معتقد است که مؤلف «در مقدمه کتاب به آن تفصیل از روزگار و ابناء آن شکایت داشته و ظاهراً همان ناراضی بودن و شکایت ها موجب شده که در سال ۸۴۳ مورد غضب گوهرشاد آغا زن شاهرخ واقع شود و در خانه امیر بیک محبوس گردد. از این زندان پس از چندی خلاص شده و باز در ۱۸ جمادی الثانی ۸۴۵ در خانه امیربیک به بند شد و در چهارم رجب آزاد گردید.»^۴ ادوارد براون نیز زمان نگاشتن کتاب مجمل فصیحی را بعد از آن وقایع، یعنی ۸۴۵ ه. ق. به بعد می داند.^۵

سبک تاریخ نگاری فصیحی:

فصیحی خوافی نیز از آن دسته مورخینی است که روش اکثر تاریخ نویسان قبل از خود را برگزیده است، یعنی نوشتن نوعی

جراید بزرگان و کتب متقدمان جمع آورده و از فارسی به فارسی و از تازی به تازی نقل افتاده و بعدالاستخاره و الاستشاره، این کتاب به مجمل فصیحی موسوم شد.^۳

همان طور که خود مؤلف می نویسد، او اثر خود را از مطالعه تواریخ متقدمانی چون مروج الذهب مسعودی، و فیات الاعیان ابن خلکان، تاریخ الکامل ابن اثیر، تاریخ بیهقی، تاریخ بیهقی ابوالحسن بیهقی، تجارب الامم مسکویه، تاریخ نباکتی و تذکرة الاولیاء عطار و غیره به دست آورده است. البته برخی عبارات عیناً از کتب عربی و فارسی، نقل شده و اغلاط زیادی در آن ها و نیز عبارات خود فصیحی وجود دارد که اغلب باید استنساخ کنندگان دوره های بعد، عامل آن بوده باشند. بعضی از مطالب نقل شده از منابع عربی، بدون ترجمه آورده شده که احتمالاً فرصت ترجمه آن را نیافته است.

شرح زندگی فصیحی خوافی: (طبق نوشته مصحح)

تولد او در سال ۷۷۷ ه. ق. و فوت بعد از سال ۸۴۵ بوده است. محل نشو و نمو و تحصیل فصیحی در هرات بوده و از سال ۸۰۷ ه. ق. به بعد، یعنی بعد از مرگ تیمور به کارهای دولتی اشتغال داشته است. گویا اولین ماموریت دولتی او به دستور شاهرخ، سفری از هرات به سمرقند و تحویل خزانه خاصه شاهرخ از شیخ عمرخان بوده است. اما به علت حوادثی که توسط فرزندان دیگر تیمور ایجاد شد، ماموریت آن ها نافرجام باقی ماند و شبانه از سمرقند فرار کردند و به هرات بازگشتند. از اطلاعاتی که نویسنده در جای جای کتاب ارائه می دهد،

به قول ادوارد براون، کتاب مجمل فصیحی یا به عبارتی «سالنامه»، حاوی نکات نادره و گرانبهای است که در هیچ جای دیگر یافت نمی‌شود، به خصوص در باره رجال خراسان و هرات

در کتاب مجمل فصیحی، نیز مانند دیگر کتب تاریخ عمومی کمتر اشاره‌ای به اوضاع اجتماعی، معیشتی، اداری، فرهنگی، اقتصادی و علل وقایع و حوادث و نتایج آن شده است

کتاب او دارای قدر و قیمتی خاص می‌باشد. به هر حال دو صفت بارز این کتاب یکی سادگی انشاء آن و دیگر توجه خاص به مسایل ادبی است.^۸

فصیحی با این که از اهل سنت به شمار می‌آید، اما در ذکر وقایع مربوط به امامان شیعه و روایات اهل بیت (ع) بسیار محترمانه سخن می‌گوید و در بیان فجایع انجام شده در باره آنان، با آوردن جملات و اشعاری، همدردی نشان می‌دهد و از خلفای اموی و مسبین آن حوادث بیزار است.

باید گفت مرحوم محمود فرخ این اثر را به طور منقح و دقیق و همراه با زحمت زیاد به رشته تصحیح کشانده است (اگر چه کتاب خالی از وجود اغلاط چاپی نیست).

مصحح، علاوه بر فهرس اعلام، فرهنگ جغرافیایی مفیدی در پایان کتاب تدوین نموده است که بر مبنای اسامی ولایات و امکنه کتاب تهیه شده و در توضیح آن اسامی به منابع و مأخذ معتبر ارجاع داده است.

پی نوشت‌ها:

۱ - غیاث الدین خواندمیر، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، ج ۴، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: خیام، ۱۳۳۹، ص ۲.

۲ - قاسم غنی، آثار و افکار و احوال حافظ (تاریخ عصر حافظ)، ج اول، تهران: زوار، (چاپ هفتم) ۱۳۷۵، (مقدمه به قلم علامه محمد قزوینی).

۳ - فصیحی خوافی، احمد بن جلال الدین محمد، مجمل فصیحی، ج ۱، به تصحیح و تحشیه محمود فرخ، مشهد: باستان، ۱۳۴۱-۱۳۳۹، صص ۷ و ۸.

۴ - همان، (مقدمه)، ص هفده تا بیست.

۵ - ادوارد براون، از سعدی تا جامی، تاریخ ادبی ایران، ج ۳، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷، ص ۲۸۹.

۶ - فصیحی خوافی، پیشین، ج ۱، ص ۸.

۷ - ادوارد براون، پیشین، ج ۳، صص ۲۸۹ و ۲۹۰.

۸ - ادوارد براون، پیشین، ج ۳، ص ۶۱۶.

تاریخ که امروزه به نام «تاریخ عمومی» معروف است. در این نوع تاریخ نویسی، نویسنده هر چه بیشتر به زمان خود نزدیک می‌شود اهمیت تألیف او فزون می‌گردد. در بین تاریخ‌های عمومی که تاکنون باقی مانده است، می‌توان دو تقسیم‌بندی قایل شد:

۱ - تاریخ‌های عمومی موضوع نگار

۲ - تاریخ‌های عمومی سال نگار.

کتاب مجمل فصیحی را می‌توان در ردیف تاریخ عمومی سال نگار قرار داد. به عبارت دیگر بخش اعظم مطالب کتاب، به جز مقدمه (پادشاهان قبل از اسلام ایران)، به صورت سال به سال آمده و شیوه نویسنده اجمال در شرح وقایع بوده، به حدی که شرح برخی از حوادث حتی در یک سطر آمده است و همان طور که پیش از این گفته شد، فصیحی علت آن را در اوایل اثر خود شرح داده است.^۹ به قول ادوارد براون، این کتاب یا به عبارتی «سالنامه» (Chronicle) حاوی نکات نادره و گرانبهای است که در هیچ جای دیگر یافت نمی‌شود، به خصوص در باره رجال خراسان و هرات.^۷

به هر حال در این کتاب نیز مانند دیگر کتب تاریخ عمومی، کمتر اشاره‌ای به اوضاع اجتماعی، معیشتی، اداری، فرهنگی، اقتصادی و علل وقایع و حوادث و نتایج آن‌ها شده است. محورهای بحث و خبر در مجمل فصیحی همانا آمدن و رفتن خلفا و سلاطین و حکام و روابط سیاسی حکومت‌ها و همچنین ذکر ایام ولادت و وفات بزرگان و کبار دین و دولت و دانشمندان و عارفان زمان است.

ادوارد براون که در سال ۱۹۱۵ راجع به کتاب مجمل فصیحی و نسخ موجود آن در اروپا تحقیقاتی مفصل کرده بود، درباره خصایص این کتاب می‌نویسد:

«این کتاب به طرز تاریخ سنوی نگاشته شده و وقایع هر سال به ترتیب و توالی آمده و محتوی است بر ذکر متوفیات از هر گونه اشخاص که در آخر هر سال مجموعاً ذکر گردیده‌اند. در قسمت متوفیات این نکته جلب توجه می‌کند که عدد شعرا و ادبا مخصوصاً در ولایات ماوراءالنهر و خراسان چقدر زیاد و فراوان بوده، به علاوه فصیحی به منابعی فراوان دست داشته، غیر از آن چه سایر مورخان و تذکره نویسان نوشته‌اند. از این رو